

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۲۱۵ رده بندی کنفرانس: الف ۲۲/۳۶۷

بررسی فقهی حقوقی کارکرد اضطرار در دفاع مشروع

محمود قبادی

کارشناس ارشد، رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز خرم آباد، لرستان

فروزان رضایی

محقق و پژوهشگر

چکیده

مسئله اصلی در این پژوهش اضطرار است. اضطرار از باب افتعال مصدر می‌گیرد و از حرف ضَرّ به فتح یا ضمّ اول است. ضَرّ با فتح اول ضد نفع است و به معنی زیان دیدن است و با ضمّ اول به مفهوم فقر، فاقه، تنگ دستی، مشکل داشتن و سوء حال می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش بررسی تبیین کارکرد اضطرار در دفاع مشروع از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران می‌باشد. این پژوهش بیانگر این است که کارکردهای اضطرار از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه کدام اند؟ و شرایط و تحقق اضطرار از دیدگاه فقه امامیه کدامند و تحقق اضطرار از نظر حقوق موضوعه چه شرایطی دارد؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که که دفاع حق طبیعی هر کس است و فقها با اضافه کردن وصف مشروع (قانونی) بر کلمه دفاع ضمن پذیرش این حق طبیعی بر این نکته اصرار می‌کنند که دفاع با وضعیتی مجاز است و هیچ فردی نمی‌تواند به بهانه دفاع مشروع و در پوشش آن بر شخص دیگر تجاوز کند. و در باب دفاع مشروع نتیجه‌ای که از شرط ضرورت دفاع بدست آمده این می‌باشد که هرگاه توسل به قوای دولتی میسر باشد شخصی که مورد تهدید واقع شده این حق را ندارد تا در مقام دفاع بریاید. چونکه اولاً، دفاع از جان و مال و ناموس شهروندان به گردن دولت بوده. ثانیاً، اقدامات مأموران مذکور در دفع تجاوز و خطر به حکم قانون جرم بحساب می‌آید.

کلمات کلیدی: اضطرار، دفاع مشروع، احکام تکلیفی، احکام وضعی.

بخش اول: کلیات

بند اول: مقدمه

از مسائل مهمی که در باب مسئولیت کیفری همیشه مورد توجه و تأیید جوامع مختلف در همه زمانها بوده این مسئله است که هر شخصی به حکم ضرورت به صورت عمدی عمل مجرمانه‌ای را مرتکب شود قابل مجازات و سرزنش نمیباشد. این حالت بر اثر خطری شدید بوجود می‌آید که برای جان یا حق فرد پیش آمده و فقط از روش ارتکاب جرم قابل احتراز میباشد. در بحث اول این پژوهش که به بررسی مفاهیم می‌پردازیم بیان می‌کنیم آنچه که نظاره گر بر مفهوم دفاع مشروع است و در کتب فقهی و حقوقی نیز طرح شده، دفاع فردی است بنابراین مفهوم اگر کسی مورد تعدی و حمله قرار بگیرد و در مسیر دفاع باعث ایراد خسارت جانی یا مالی به هجوم کننده شود با داشتن شرایطی که برای مدافع و عمل دفاع آمده است از هرگونه مسئولیت مدنی و کیفری به دور میباشد در بحث دوم دریافتیم که دفاع حق طبیعی هر کس است و فقها با اضافه کردن وصف مشروع (قانونی) بر کلمه دفاع ضمن پذیرش این حق طبیعی بر این نکته اصرار می‌کنند که دفاع با وضعیتی مجاز است و هیچ فردی نمی‌تواند به بهانه دفاع مشروع و در پوشش آن بر شخص دیگر تجاوز کند. آنچه در دفاع مشروع و احکام ناظر بر آن نمود می‌یابد؛ یکی ارتباط این قاعده براساس اصل ناظر بر مشروعیت دفاع مشروع است و دیگری بازشناسی مصادیقی است که اگر با این اوصاف باغی و عادی شناخته شوند، کارکرد اضطرار در دفاع مشروع را مختل می‌نمایند و در نهایت تشخیص خروج شخص از فعل اضطراری است که می‌تواند در تشخیص ماهیت مشروع بودن یا نبودن دفاع نقش عمده‌ای بازی نماید. در بحث آخر به بحث فقهی موضوع مورد نظر پرداختیم در بررسی حاضر مساله اصلی شناخت ماهیت فعل اضطراری از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه است، چرا که خلاء مطالعاتی موجود در این حیطه معرفتی فقهی و حقوقی نیاز به بررسی متقن دارد و از طرفی کارکرد اضطرار در بحث دفاع مشروع مورد عنایت بررسی جدی میباشد تا حدود و ثغور آن کاملاً مشخص شود. این مضمون در متن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۱۵۲ و تبصره آن بیان شده است که از دیدگاه حقوق دانه‌ها بحث‌های پردامنه‌ای را در حیطه کارکرد اضطرار در اصل دفاع مشروع در پی داشته است.

بنابراین در نوشتار حاضر قصد بر این است در پاسخ به سوال اصلی تحقیق و به روش توصیفی تحلیلی، کارکرد قاعده اضطرار را در دفاع مشروع در تمامی ابعاد فوق‌الذکر که بیان شد و از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم.

بند دوم: اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که قاعده اضطرار یکی از قواعد بسیار پر کاربرد در هندسه معرفت فقهی است، آنچه به نظر میرسد در حیطه کاربردی از دیدگاه اغلب فقها و حقوق دانهای معاصر مغفول افتاده و کمتر بدان توجه شده کارکرد و سنخیتی است که مفاهیم و مصادیق این قاعده فقهی در اصل دفاع مشروع دارد. فارغ از این، کاربست اصل دفاع مشروع و تبیین دقیق حدود و ثغور آن به فراخور قاعده اضطرار مفهوم متقنی از دفاع مشروع و مصادیق و حدود آن را در ذهن مخاطب تشحیز مینماید. کما اینکه به مناسبت عدم تدقیق و بررسی مفهومی و مصداقی کارکرد اضطرار در دفاع مشروع کماکان در بین حقوق دانها و محققین عرصه فقه و حقوق اختلاف است که به عنوان مثال ماده ۱۵۲ ق.م.ا جزء عوامل رافع مسئولیت کیفری است یا علل موجه جرم؟ بنابراین اهمیت بررسی حاضر را به مناسبت بیان همه جانبه در معرفی اصل دفاع مشروع میتوان بیان نمود تا جایی که گاه تعبیر اشتباه از این مفهوم نزد قضات میتواند منتهی به قصاص یک نفس محقون گردد. طی بررسی های صورت گرفته عنوان تحقیقی که موضوع حاضر را در تمامی ابعاد آن مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد، بنابراین بنابر اهمیت موضوع و در راستای پر نمودن خلاء مطالعاتی موجود در این حیطه مهم فقهی-حقوقی ضرورت تحقیقی که بتواند به شیوه بنیادی به تمامی ابعاد کارکرد قاعده اضطرار در دفاع مشروع بپردازد احساس میشود.

بند سوم: پیشینه تحقیق

در میان کتب فقهی گاه طی بحث های پراکنده ای و نوعا در ابواب دیات، به گونه ای مصداقی به دفاع مشروع و احکام آن اشاره شده است و گاه برخی فقها مانند صاحب جواهر و مرحوم امام خمینی (ره) برای بیان احکام و مصادیق آن باب مستقلی در کتب فقهی تخصیص داده اند. در خصوص اضطرار و احکام اضطراری نیز تماما به صورت مصداقی و در ابواب گوناگون فقهی بحث شده است. از آنجا که در فقه متاخر و بنابر تبویب و قاعده مند شدن بسیاری از عناوین فقهی تحت عنوان قاعده فقهی رویکرد خاصی مشاهده میشود در این دسته از کتب (مانند قواعد فقهی از مصطفی محقق داماد-اسد الله لطفی-العناوین از میر فتح مراغی-القواعد الفقیه از ناصر مکارم شیرازی و...) تحت عناوینی از جمله قاعده اضطرار و قاعده ضرورت برای بیان ماهیت و احکام ویژه اضطرار بحث مستقلی تخصیص داده شده است. طی بررسی های صورت گرفته عنوان کتاب یا نوشته ای که به بررسی ارتباط و کارکرد قاعده اضطرار در دفاع مشروع با رویکرد کارکرد گرایانه و در تمامی ابعاد فقهی و حقوقی پرداخته باشد یافت نشد. ذیلا به اهم عناوین مرتبط با بحث حاضر اشاره میشود:

- خبری (۱۳۹۴) در تحقیق خود با مبحث مقایسه کردن دفاع مشروع و اضطراب در حقوق کیفری ایران و آلمان، با عنایت به مواد قانون مجازات و قانون مسئولیت مدنی به قیاس بین عناصر و مولفه های اضطراب و دفاع مشروع پرداخته است و در نهایت وجوه افتراق این دو را در حقوق ایران و آلمان مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در این اثر به نتیجه رسیده است که اضطراب و ضرورت دو مفهوم همپوشان هستند که در واقع دفاع مشروع در حقوق ایران بر اساس آن بیان شده است. در این اثر به کارکرد اضطراب در دفاع مشروع و از دیدگاه فقهی پرداخته نشده است
- بختیاری (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان دفاع مشروع در فقه اسلامی با محوریت آرا امام خمینی، به ماهیت و مبانی فقهی دفاع مشروع در فقه امامیه پرداخته است. نویسنده در این اثر به این نتیجه رسیده است که سبقه دفاع مشروع مبتنی بر گزاره های امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد حق دفاع اجتماعی اشخاص بازخوانی میشود. در این اثر نویسنده نوعا از جنبه رافع مسئولین مدنی بودن به امر دفاع نگریسته است و جنبه های کیفری و رفع مسئولیت کیفری مدافع مشروع کمتر اشاره نموده است
- پورباقرانی (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان مطالعه تطبیقی تجاوز از دفاع مشروع با توجه به مواد قانونی رابطه فعل اضطرابی و خروج از آن را در ارتباط با دفاع مشروع مورد بررسی قرار داده است اما به مولفه های فقهی و کارکرد اضطراب در دفاع مشروع نپرداخته است. نویسنده در این اثر در واقع اوصاف فقهی باغی و عادی را در حقوق موضوعه مورد بررسی قرار داده است
- آرامش (۱۳۸۸) در اثر خود با عنوان اضطراب و مسئولیت مدنی، از لحاظ حقوقی کارکرد اضطراب را در رهایی از ضمان و مولفه های آن (در حیطه مسولیت مدنی) مورد بررسی قرار داده است؛ نویسنده طی بخش کوتاهی از اثر صرف بحث حقوقی کارکرد اضطراب در دفاع مشروعی را که موجب استخلاص از پرداخت خسارت می گردد مورد بررسی قرار داده است اما به مباحث جزایی و ارتباط اضطراب و دفاع مشروع نپرداخته است.
- برجی (۱۳۸۶) در اثر خود با عنوان ترور و دفاع مشروع ، در بخشی از اثر با عنایت به مواد قانون مجازات اسلامی در خصوص فعل اضطرابی ارتباط آن را با دفاع مشروع را مورد بررسی

قرار داده است اما به تمامی عناصر و مولفه های ناظر بر کارکرد اضطراب در دفاع مشروع نپرداخته از و نیز نوعا با رویکردی حقوقی به مساله نگریسته است.

■ داود عطار(۱۳۷۸) در اثر خود با عنوان دفاع مشروع و تجاوز از حدود آن، به ماهیت و شرایط دفاع مشروع و تجاوز از حدود آن از دیدگاه فقه اهل سنت و با عنایت به نصوص قانونی مصر و عراق پرداخته است. نویسنده در بخش کوتاهی از اثر کارکرد اضطراب را در معافیت از مجازات مدافع مشروط مورد بررسی قرار داده است؛ در این اثر بررسی ارتباط تمامی ارکان و عناوین فعل اضطرابی با دفاع مشروعه صورت نگرفته است.

بخش دوم: مفاهیم

بند اول: مفهوم اضطراب

اضطراب مصدر باب افتعال و از ماده ی ضَرَّ به فتح یا ضَمَّ اول است. ضَرَّ با فتح اول متضاد نفع است و معنای آن زیان دیدگی است و با ضَمَّ اول به معنای فقر، فاقه، تنگدستی، سختی و سوء حال است؛ اعم از اینکه باطنی و معنوی باشد یا ظاهری و دارای آثار مشهود در اعضا و جوارح؛ چنانکه قرآن مجید از بیماری حضرت ایوب به ضَرَّ تعبیر کرده و از زبان ایشان فرموده است: «أَنِّي مَسْنِي الضَّرَّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ مرا سختی و گزند رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ»؛ پس او را اجابت کردیم و سختی و گزندى که بر وی بود بر داشتیم. (انبیا، ۸۳-۸۴)

به هر حال، خود اضطراب به معنای احتیاج، ناچاری، ناگزیری و درماندگی است؛ چنانکه در لسان العرب آمده است: «اضطراب عبارت است از احتیاج به چیزی؛ و ضرر اسم مصدر اضطراب است» در کتاب مفردات راغب و مجمع البحرین نیز قریب به همین معنا آمده است. (ابن منظور، لسان العرب، «الاضطراب: الاحتیاج الى الشیء و الضرورة اسم مصدر لمصدر الاضطراب»؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن؛ مجمع البحرین، ذیل ضرر)

بند دوم: مفهوم اصطلاحی اضطراب

فقهها و اصولیون تعریف های مختلفی و تقریبا مثل همی از اضطراب و مضطر ارائه داده اند. از بین صاحب نظران شیعه، مقدس اردبیلی بیان کرده است: «الاضطراب ما لم یکن الصبر علیه مثل الجوع»؛ (اردبیلی، ص ۳۶۳) اضطراب به این معنا است که صبر بر آن میسر نباشد؛ مثل گرسنگی.

علامه حلی در مقام تعریف مضطرّ می‌نویسد: «المضطر هو من يخاف التلف على نفسه؛ (علامه حلی، ج ۴، ص ۱۶۲).

بند سوم: مفهوم دفاع مشروع

دفاع مشروع یا دفاع قانونی به این معناست که از توان داشتن بر دفع تجاوز قریب الوقوع و ناحقی که نفس، عرض، ناموس مال و آزادی تن خود یا دیگری را به مخاطره می‌اندازد. دفاع مشروع قدرتی بازدارنده با نیت ممانعت از خطرهایی است که رهایی از آن جز با ارتکاب جرم غیرممکن است ولی دفع و جلوگیری از خطرهای نام برده هیچگاه نباید با نیت انتقام جویی و آزار و اذیت توأم باشد از این رو، اعمال دفاعی از یک طرف شرط ضرورت و از سمت دیگر به شرط تناسب مقید شده است. دفاع مشروع حق هر انسان به حفظ جان مال و ناموس خود یا دیگری در موارد (بهشتی، ص ۲۰).

بخش سوم: شرایط تحقق حالت اضطرار

اضطرار یک حالت استثنایی و خلاف اصل است. بنابراین برای تحقق آن، شرایطی لازم است تا معافیت مرتکب را از عقوبت توجیه نماید. این شرایط را می‌توان تحت دو عنوان مورد بحث قرار داد: اول، شرایط مربوط به خطر و تهدیدی که شخص را به اضطرار دچار می‌کند. دوم، شرایط مربوط به اقدام و عکس العمل مضطر.

بخش چهارم: شرایط واقعه ی اضطراری

الف) خطر باید مسلّم الوقوع باشد: یعنی باید به درجه ی فعلیت رسیده باشد. خطرات احتمالی نمی‌تواند مجوز ارتکاب عمل حرام باشد؛ به عنوان مثال، کسی نمی‌تواند به استناد اینکه در آینده دچار تشنگی شدید خواهد شد و احتمالاً از شدّت عطش تلف می‌شود مرتکب شرب خمر شود. در فقه بروز خوف و بیم هلاکت نفس به واسطه ی علم یا ظنّ و احتمال عقلایی به بروز خطر شدید مطرح است و ما پیش از این عبارت امام را نقل کردیم که فرموده بود: «المدار فی الكلّ هو الخوف الحاصل من العلم او الظنّ».

ب) خطر باید شدید یا به تعبیر فقها ملجی باشد: به نحوی که شخص خود را در موقعیتی ببیند که در آن بیم تلف نفس یا عضو در وی ایجاد شود. خطرات جزئی و شرایط سخت قابل تحمل، هیچ کدام مجوز اتیان فعل حرام نیستند.

ج) خطر به وسیله ی خود مضطر ایجاد نشده باشد: شخصی که با اقدامات عمدی خود، شرایط و موقعیت اضطراری برای خود پیش آورد، نمی تواند از اذن شارع در حالت اضطرار بهره مند شود.

د) مضطر به موجب شرع و قانون مکلف به تحمّل ضرر نباشد: کسانی هستند که بر حسب وظیفه ی شرعی یا قانونی در وضعیتی قرار گرفته اند که مستلزم فداکاری و تحمل خطر است؛ مثلاً، کسی که بنا به وظیفه ی شرعی به جهاد رفته و یا فردی که بنا به وظیفه ی قانونی و ملی به جنگ با دشمن رفته است، وظیفه اش به طور طبیعی با خطر و تحمّل آن ملازمه دارد؛ یا پلیسی که وظیفه ی حفظ امنیت را بر عهده دارد، اقدامات وی برای انجام وظیفه است و نمی تواند به استناد ضرورت و دفع خطر از خود، رفع تکلیف کرده و از انجام وظایف خود سرباز زند. (جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۳۸).

بخش پنجم: شرایط تحقق دفاع مشروع

برای تحقق دفاع مشروع شرایطی لازم است شرایط دفاع در سه قسمت بررسی میشود: دفاع باید با خطر تجاوز تناسب داشته باشد. به این معنا که باید دفاع به اندازه ای باشد که دفع تجاوز آن را داشته؛ شخص مورد حمله این حق را ندارد که در مقام دفاع هر کاری که می خواهد بکند و با هر ابزاری که صلاح میداند در مقام مقاومت استفاده کند برای نمونه اگر می تواند دزد یا هر تهاجم کننده ای دیگر را به وسیله فریاد یا ضرب و جرح از خود دفع کند، حق ندارد او را بکشد؛ کشتن آخرین مرحله دفاع است و به عبارت دیگر برای دفاع مراتبی وجود دارد که باید سلسله مراتب حفظ شود اگر مراد از تناسب که در ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی آمده است این باشد که گفته شد مشکلی ندارد و آرای فقهای امامیه نیز بر طبق آن است؛ ولی اگر مراد از تناسب تناسب فعل مهاجم و مدافع باشد، چنانکه از مثالهای دانشمندان حقوق استفاده میشود اگر مهاجم قصد دزدیدن میوه های باغی را داشته باشد، صاحب باغ نمیتواند او را به ضرب گلوله از پای درآورد. (حقوق جنائی، ج ۱، ص ۲۳۳).

بخش ششم: تحولات طبع دفاع مشروع

در زمینه ی نظام قانونگذاری و دیدگاه علمای حقوق نسبت به دفاع مشروع و تحولات طبع دفاع یاد شده در این مورد چهار نظریه موجود است: اول اینکه دفاع مشروع «حق» است. دوم اینکه دفاع مشروع «ضرورت» است. سوم اینکه دفاع مشروع «تکلیف» است؛ و سرانجام اینکه این دفاع «اذن» قانونی است حال پرسیدنی است که ادله هر کدام از طرفداران این نظریات چیست و انتقاد بر آن کدام است؟ در قانون های، باستانی دفاع مشروع را به عنوان حقی طبیعی نام میبردند به طوری که «گایوس» می گفت:

مقررات طبیعی مقاومت در برابر هرگونه تعدی یا خطری که آدمی را به زیانی تهدید میکند، مجاز است. (همان، ص ۸۳، ش ۳۵) سیسرون نیز بر آن بود که دفاع مشروع از مبادی قوانین طبیعی است و از این رو در مقررات رُم جایز است.

بخش هفتم: آثار اضطراب در احکام

فقها و اصولیین ضمن بحث و بررسی حدیث رفع، به نقش اضطراب در احکام تکلیفی و وضعی پرداخته‌اند.

بند اول: اثر اضطراب در احکام تکلیفی

تردیدی نیست که حدیث رفع در احکام تکلیفی جاری می‌باشد و تفاوتی نیست بین اینکه حکم متوجه خود فاعل باشد یا فعل فاعل موجب توجه تکلیف به فرد دیگری شود؛ مانند دزدی که باعث وجوب اقامه ی حدّ قطع ید برای حاکم می‌شود. همچنین فرقی بین اینکه فعل متعلق حکم باشد یا موضوع آن، وجود ندارد. در هر دو حالت، نقش اضطراب رفع حکم بوده؛ یعنی حرمت دزدی را از سارق و وجوب قطع ید را از حاکم بر می‌دارد.

آیت الله خویی در این باره دیدگاه قابل توجهی دارد، و آن تفکیک میان اینکه متعلق حکم به نحو طبیعت ساریه باشد یا به نحو صرف الوجود. به این معنا که هرگاه متعلق حکم طبیعت ساریه باشد، یعنی با تعدّد مصادیق و افراد، حکم متعدد پدید آید. با عروض عنوان اضطراب بر یک فرد یا مورد خاص، حکم تکلیفی به طور کلی برداشته نمی‌شود.

یعنی هر فردی از افراد خمر، یک خطاب نهی دارد و هر فرد از افراد ربا یک خطاب نهی دارد. لذا هرگاه کسی به شرب خمر معین یا اکل ربای خاص مضطر شود، حکم تکلیفی حرمت نسبت به همان فرد یا همان مورد مخصوص برداشته می‌شود و از دیگر افراد و مصادیق، رفع حرمت نمی‌شود.

بند دوم: اثر اضطراب در احکام وضعی

فقها با تکیه بر امتنایی بودن حدیث رفع، شمول آن را به احکام وضعی، به جهت اینکه موجب مضیقه و مشقت امت می‌شود و این امر با امتنان منافات دارد، جاری ندانسته‌اند.

• تداوی به حرام

فقهای امامیه با استناد به پاره ای روایات منقول از ائمه، تداوی به حرام، بویژه مسکرات را جز در صورت ضرورت و تعین شیء محرم جایز ندانسته اند. (جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۴۵)

فقهای اهل سنت در خصوص جواز و عدم جواز تداوی به حرام دچار اختلاف نظر شده اند. گروهی از آنان تداوی را ضرورت قاهره ای همچون آب و غذا ندانسته اند (السید سابق، فقه السنه، ج ۳، ص ۲۴۷) در مقابل، گروهی دیگر با استناد به عمومات و اطلاعات ناظر بر حالت اضطرار، قائل به جواز شده اند. این گروه در کنار استدلالات کلی خود، به حدیثی از پیامبر (ص) مبنی بر اجازه ی پوشیدن حریر به دو تن از یاران خود به واسطه ی بیماری آنان استناد کرده اند. سید سابق (السید سابق، فقه السنه، ج ۳، ص ۲۴۷) نظریه اول و دکتر یوسف قرضاوی (الحلال و الحرام، ص ۵۲) نظریه اخیر را ترجیح داده است.

• حد ضرورت

شخص مضطر چه مقدار از اشیای محرمه را می تواند تناول کند؟ آیا سد رمق و دفع حاجت و اضطرار مورد نظر است یا ملاک و میزان خاصی مطرح نیست و شخص می تواند تا حد اشباع از اشیای مزبور تناول کند؟ در پاسخ به این سؤال نیز فقهای مذاهب مختلفه ی اسلامی نظریه یکسانی ندارند. فقهای امامیه و جمهور فقهای اهل سنت به میزان سد رمق و دفع حاجت و حفظ حیات اجازه داده، تجاوز از مقدار ضرورت و حاجت را مشمول بغی و عدوان دانسته اند.

مزنّی، از شاگردان شافعی، گفته است: «پس از سد رمق و رفع حاجت، شخص از حالت اضطرار خارج شده است. بنابراین، خوردن بیش از مقدار مذکور جایز نیست.» (شیرازی، ج ۱، ص ۲۵۰)

بخش هشتم: بعد حقوقی دفاع مشروع

برطرف کردن تعدّی (تجاوز) از خود یا دیگری دفاع یا دفاع مشروع است. دیگری ممکن است شخصی طبیعی یا شخص حقوقی به ویژه جامعه و امت اسلامی باشد. دفاع حق طبیعی هر کسی است و فقیهان و حقوقدانان با افزودن وصف مشروع (قانونی) بر واژه دفاع ضمن پذیرش این حق طبیعی بر این نکته تأکید میکنند که دفاع با شرایطی مجاز است و هیچ کس نمی تواند به بهانه دفاع مشروع و در پوشش آن بر دیگری تجاوز کند. دفاع مشروع یکی از عوامل توجیه کننده تقصیر است که مسئولیت را نیز برطرف می سازد. علت تجویز دفاع مشروع تأمین امنیت جانی و مالی اشخاص از طرف قانونگذار است؛ زیرا هنگامی

که شخصی مورد حمله و هجوم دیگری قرار میگیرد و جان یا مال او یا دیگری در معرض آسیب و خطر واقع میشود، طبیعی ترین تأمین دادن حق دفاع متعادل و متناسب به شخص مورد حمله یا دیگری است که بتواند از خود یا شخص مورد حمله دفع خطر نماید در سیستمهای مختلف حقوقی حق دفاع هم در حوزه مسئولیت کیفری و هم در حوزه مسئولیت مدنی پذیرفته شده است.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز در متون مختلف قانونی، اصل مشروعیت، مقررات و ضوابط دفاع مشروع را پذیرفته است ماده (۳۳۰) ق.م.م. ماده ۱۵ ق.م.م. ماده ۳۵۸ ق.ا. و تبصره آن و مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ ق.ا.ت. به گفته برخی «آنچه دفاع را مشروع میکند اضطراب ناشی از اقدامی است که از سوی زیان دیده و به ضرر دفاع کننده آغاز میشود و به همین جهت دفاع مشروع را باید چهره خاصی از اضطراب شمرد. (عبد الناصر، ج ۱۴، ص ۹۴).

علاوه بر حقوقدانان فقیهان نیز این مبنا را قبول دارند و در موارد گوناگون دفاع مشروع را رافع مسئولیت میپندارند؛ (ر.ک: وهبه الزحیلی نظریه الضرورة الشرعية، ص ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۴۴ و ۱۴۵) دفاع از جامعه و امت اسلامی به صورت جهاد دفاعی به دفاع از معیارهای مسلم اسلام به صورت امر به معروف و نهی از منکر از اصول مسلم قرآن و فقه اسلامی است. (الخیمینی، تحریر الوسیله، ج ۱).

با چند شرط دفاع مشروع محقق میشود؛ برخی از این شرایط مربوط به تجاوز و تعدی و برخی مربوط به دفاع از خود یا دیگری است که به ترتیب ذیل مورد بررسی قرار میگیرد.

۱ - تجاوز و حمله باید نامشروع باشد و اگر تجاوز مشروع باشد، دفاع از آن نامشروع تلقی میشود؛ چنان که دزد نمیتواند در مقابل مأموران به بهانه دفاع مشروع ایستادگی کند. تجاوز هنگامی نامشروع است که شخص مهاجم نتواند برای رفع مسئولیت از خویش به یکی از علل رافع مسئولیت استناد کند.

۲ - تجاوز باید کنونی یا حال باشد یا حداقل احتمال وقوع آن به ظن قوی بسیار نزدیک و قریب الوقوع باشد بند الف ماده ۶۲۷ ق.م.ا. (ت): (عبدالرزاق احمد، ج ۱، ص ۷۸۸) بنابراین انتقام جویی یا پیشگیری از مصادیق دفاع مشروع نیست. هرگاه خطر در آینده باشد و فرصت رجوع به مأموران و نیروهای دولتی، باشد دیگر مجالی برای اجرای حق و دفاع مشروع باقی نمی ماند. از خطر و حمله بسیار نزدیک نیز میتوان دفاع مشروع کرد به شرط اینکه قصد واقعی تجاوز به ظن قوی در مقایسه با موارد مشابه ثابت شود. به نظر میرسد که دفاع کننده باید این شرط را ثابت کند تا دفاع او مشروع تلقی شود (خیمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۹۰، مسأله ۲۱).

بند اول: اثر دفاع مشروع در تقصیر

هرگاه شرایط دفاع مشروع تحقق یابد، تقصیر را از عهده شخص مدافع بر میدارد و به تبع آن مسئولیت جزایی و مدنی بر طرف می‌گردد در حالت دفاع مشروع عنصر غیر قانونی بودن ائتلاف از بین می‌رود و شخص در دفاع مجاز می‌شود ولی گاه مدافع از محدوده دفاع مشروع تجاوز کند و تناسب بین فعل و خطر را بر هم زند و بیشتر از مقدار لازم اقدام نماید نسبت به مقدار مازاد دفاع مشروع نیست و مسئول است. یعنی دفاع تا اندازه ای که ضرورت دارد مشروع است و اقدام بیش از آن مشروع نیست. برخی از حقوقدانان گفته اند اگر تجاوز از مقدار لازم برای دفاع نتیجه اضطراب و ترسی باشد که شخص مدافع ناگزیر از انجام دادن آن بوده است و نمی‌توانسته در آن دقت لازم را مبذول بدارد هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت. (عاطف النقیب، ص ۱۶۹).

بند دوم: اضرار مدافع به ثالث

ممکن است کسی که دفاع مشروع میکند به دیگری ضرر بزند؛ اضرار دفاع کننده به ثالث گاه بی واسطه و گاه با واسطه است. به عبارت دیگر زیانی که به ثالث وارد می‌شود گاه با ائتلاف مدافع و گاه با تسبیب او است. بنابراین پاسخ به این سؤال که آیا دفاع کننده در حمله کسی نسبت به زیانهای ثالث ضامن است یا نه در دو فرض جداگانه قابل برابر بحث و بررسی است.

بخش نهم: بعد حقوقی اضرار

اضرار حالتی است که شخصی برای مصون نگه داشتن خود یا دیگری از خطر زیانبار موجود با قریب الوقوع به ناچار ضرر کمتری را به دیگری که در ایجاد خطر زیانبار نقشی نداشته است شخص ثالث وارد نماید چنانکه از این تعریف بر می آید و برخی از استادان (صفائی، ج ۲، تعهدات و قراردادهای، ص ۵۵۸) متذکر شده اند ایراد زیان در حالت اضطرار به صورت عمدی و برای احتراز از زیان بزرگتر صورت می‌گیرد؛ بنابراین شخص مضطر همواره با قصد و اراده کار خود را انجام میدهد و چون عمل او یک عمل ضد اجتماعی نیست فرض تحقق تقصیر منتفی است.

در مواردی که مسئولیت بر پایه تقصیر است و کسی در شرایط اضطراری به دیگری زیان میرساند عامل ورود زیان را نمی‌توان مسئول شناخت زیرا فرض بر این است که مسئولیت براساس تقصیر است و او مرتکب تقصیر نشده است. ولی هرگاه در این شرایط از مال دیگری بدون جهت استفاده کند رجوع به او

بخش دهم: بعد فقهی اضطرار

بند اول: کتاب

الف: در آیه‌ی ۱۷۳ از سوره‌ی بقره آمده است:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛

چیزی که خداوند برای شما حرام کرده مردار، خون، گوشت خوک و آنچه نام بجز خدا به هنگام ذبح بر آن آورده شود. بنابراین اگر شخصی ناچار از خوردن یکی از محرّمات مذکور شود چنانچه زیادت طلب و متجاوز از حدّ نباشد گناهی بر او نمیباشد. همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

از بین مفسرین شیعه، صاحب تفسیر المیزان در تفسیر این آیه می نویسد که غیر باغ و لا عاد از نظر نحوی حال هستند؛ یعنی در حالی که ظالم و متجاوز نبوده. یعنی کسی که ناچار از خوردن بعضی از این محرّمات بشود و این ناچاری و اضطرار در حالی باشد که ظالم و متجاوز از حد نباشد، منعی ندارد که از آنها بخورد؛ ولی اگر در حال ستم و تعدّی، ناچار از خوردن شود، به این مفهوم که ستم و تعدّی و تجاوز باعث اضطرار وی شده باشد، خوردن محرّمات برای او جایز نخواهد بود. ضمناً جمله‌ی «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» بیانگر این است که ملاک نهی و حرمت در صورت اضطرار هم موجود است و اجازه‌ای که در اینجا به مسلمانان داده شده از باب تخفیف و رخصت است. (علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ذیل آیه‌ی ۱۷۳ سوره‌ی بقره)

بند دوم: سنت

در بین فقها و مفسرین اهل سنت نیز «غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ» معنی و مفهوم متفق علیهی نداشته، نظریات مختلفی در این باره بیان شده است. زجاج، لغوی و نحوی معروف، اعتقاد دارد که اصل معنای «بغی» قصد فساد است و «عاد» هم مشتق از عدوان بوده و عدوان به مفهوم ستم و تجاوز از حد است.

الف- مراد از باغی در آیه‌ی مورد بحث شخصی است که بیشتر از حاجت خود از محرّمات مذکور تناول کند و عادی هم فردی است که با بودن امکان دسترسی به مأكولات دیگر، اقدام به اکل محرّمات می کند...

امام مالک، بغی و عدوان را خروج بر امام دانسته است. سید سابق، از علمای معاصر، کسی را «باغی» می شمارد که بر دیگری ظلم و ستمی کرده و با ترجیح نفس خود بر دیگری و خوردن میت، باعث تلف نفس او در اثر شدّت گرسنگی شده، و «عادی» را متجاوز از حد گرسنگی یا متجاوز از حد سدّ رمق می‌داند. با این حال، جمهور فقهای اهل سنت بغی را اکل میت به غیر موارد حاجت و عدوان را تجاوز از حدّ ضرورت و نیاز دانسته‌اند. (صابونی، صفوة التفاسیر، ج ۱، ذیل آیه‌ی ۱۷۳ بقره)

بند سوم: روایات

در باره اضطرار، امامیه روایات گوناگونی از ائمه بیان کرده‌اند که در کتب حدیث، از جمله در وسایل الشیعه می‌توان آنها را نگاه کرد. در اینجا به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم:

(الف) ما من شیء حرّمه الله الا و قد حلله لمن اضطرّ الیه؛ هیچ چیز را خداوند حرام نکرده مگر آنکه برای کسی که مضطر است حلال می‌شود.

(ب) عن السکونی عن ابی عبد الله (ع) قال: لا یقطع السارق فی عام سنت. یعنی عام المجاعة؛ دست سارق در سال قحطی قطع نمی‌شود.

(ج) قال الصادق (ع) من اضطرّ الی المیتة و الدم و لحم الخنزیر فلم یأکل شیئا من ذلك حتی یموت فهو کافر؛ (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۲۰) امام صادق (ع) فرموده است: هر کس به گوشت مردار و خون و گوشت خوک مضطر شود و از آنها تناول نکند تا بمیرد، [به حکم خدا] کفر ورزیده است.

گویا در این روایت، امام رفع اضطرار را واجب شرعی شمرده و امتناع از آن را مخالفت با شارع و کفر به حساب آورده است.

بند چهارم: اجماع

در خصوص اضطرار، فقها بر حسب مورد حکم داده‌اند. از این رو در خصوص مورد می‌توان ادعای اجماع نمود؛ مثلاً، در خصوص شرب مسکر گفته‌اند که اگر شخصی برای حفظ سلامت، مضطرّ به شرب مسکر شود نوشیدن آن جایز است. فقها به اتفاق، چنین فتوی داده‌اند؛ اما در مورد خود عنوان کلی حکم اضطرار که یک امر عقلی نیز است نمی‌توان قائل به تحقق اجماع شد و متحقق هم نشده است. در صورت تحقق هم چون مبتنی بر عقل است حجّیت ندارد؛ اما در موارد خاصه می‌توان بر امر عقل ادعای اجماع نمود. در کتاب تحریر الوسیله آمده است: «المدار فی الكل هو الخوف الحاصل من العلم او الظن.» (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۹)

نزد اهل سنت، اولاً حسب قاعده، مادام که حکم قضیه از میان صحابه یا فقهایی تابعین و یا ائمه اربعه مخالفی نداشته باشد مسأله صورت اجماعی به خود می‌گیرد و چون در اصل تمسک به اضطرار و رفع مسئولیت با استناد به آن مخالفی وجود ندارد قضیه اجماعی می‌شود. ثانیاً با وجود نصوص شرعی دال بر جواز ارتکاب پاره‌ای از اعمال محرمه در حالت اضطرار، دیگر نیازی به استناد به اجماع و قیاس نیست؛

چرا که حجیت اجماع و قیاس، تبعی و مستنبط از کتاب و سنت است. پس، با وجود نصوص کتاب و سنت، جایی برای استناد به اجماع و قیاس باقی نمی‌ماند. لذا می‌بینیم که فقها و اصولیین سنی مذهب تنها به استناد به آیات قرآن بسنده کرده، ذکری از اجماع و قیاس به میان نیاورده‌اند.

بند پنجم: عقل

اضطرار قاعده‌ی عقلی است و خارج از ضوابط و مستندات شرعی، از سوی ملل و اقوام مختلف نیز مورد استناد قرار گرفته است. در حقوق غرب با تکیه بر حقوق روم، قاعده‌ی «ضرورت قانون نمی‌شناسد» همواره مورد استناد بوده است. حقوق‌دانان مسلمان و غیر مسلمان نیز ضمن استناد به ادله‌ی نقلی و شرعی، عقلانی بودن اصل قاعده‌ی اضطرار را مورد تأیید و اذعان قرار داده‌اند.

توجیهاتی که حقوق‌دانان مسلمان و غیر مسلمان از رفع مسئولیت در حالت اضطرار به عمل آورده‌اند نشان از عقلانی بودن مسأله است. این حقوق‌دانان رفع مسئولیت در اثر اضطرار با تکیه بر جهاتی همچون اجبار معنوی، نفع اجتماعی، عدم سوء نیت، لزوم همبستگی و تعاون اجتماعی و بالاخره تعارض منافع توجیه کرده‌اند. اینها خود توجیه و تحلیل عقلی هستند و اصولاً قاعده‌ی الضرورات تبیح المحظورات مفاد یک حکم عقلی است؛ گرچه این عبارت در منابع فقهی موجود نیست.

بخش یازدهم: دفاع مشروع از منظر فقه

در بعد فقهی دفاع مشروع اول باید جوابگوی چند سوال باشیم. ۱- باید بگوییم که آیا دفاع مشروع قاعده فقهی است؟

از تعریفی که برای قاعده فقهی در گذشته بیان شد و فرق آن با قواعد اصول فقه و مسائل فقهی روشن گردید، معلوم شد که دفاع مشروع از قواعد فقهی به حساب می‌آید. مضافاً بر اینکه دفاع مشروع مانند دو قاعده اکراه و اضطرار است. یعنی: مکلف مضطر است برای حفظ جان و ناموس و عرض و مال خود مرتکب به ظاهر معصیت گردد و مجازات آن به خاطر ضرورت از او رفع میشود بنابراین فرقی میان دفاع مشروع با دوقاعده فوق از این جهت وجود ندارد.

۲ - چه فرقی میان دفاع مشروع و سایر قواعد ضرورت اضطرار و اکراه وجود دارد؟ اولاً؛ قاعده اکراه و اضطرار از قواعد عامه هستند که در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارند و مخصوص احکام جزایی و جنایی نیستند ولی دفاع مشروع مخصوص جزائیات است و در سایر ابواب فقهی جریان ندارد ثانیاً در قاعده اکراه

گفته شد که هر سه قاعده از قواعد ضرورت محسوب میشوند یعنی ضرورت گاهی از طرف تهدید یک شخص اجنبی صورت میگیرد و گاهی نیاز شخص و یا عوامل طبیعی خارجی، شخص را مضطر میکند و گاهی هجوم و حمله مهاجم او را مضطر میکند که مرتکب معصیت و فعل زیان بار گردد؛ پس هر کدام از این سه قاعده یک وجه مشترک دارند و آن اینکه منشأ هر سه ضرورت است و یک وجه افتراق دارند و آن در اکراه تهدید و در اضطرار نیاز و احتیاج و در دفاع مشروع هجوم و حمله است.

۳- آیا دفاع مشروع واجب است و فرقی میان اقسام دفاع و موارد آن وجود دارد؟ تعبیرها در این زمینه مختلف است از تعبیر عبدالقادر عوده استفاده می شود که میان دفاع از نفس و مال فرق است. او میگوید: «دفاع از نفس بر مدافع واجب است ولی دفاع از مال حق مدافع است یعنی میتواند از حق خود استفاده کند و می تواند آن را اسقاط نماید». (التشریع الجنائی، ج ۱، ص ۴۷۳) این تعبیر این عیب را دارد که دفاع از نفس را حکم شرعی و دفاع از مال را حق میدانند در صورتی که ادله دفاع مشروع به یک لسان صادر شده اند؛ بنابراین نمی توان گفت که دفاع از نفس و عرض واجب و دفاع از مال حق است. فقهای امامیه در این خصوص به چند گروه تقسیم شده اند.

الف) بعضی از آنها دفاع از نفس را مطلقاً واجب می دانند و میگویند: اگر دزد یا هر مهاجم دیگر به قصد کشتن کسی به او حمله کند واجب است با هر وسیله ممکن از خود دفاع کند و بر او جایز نیست تسلیم شود و ظلم را بپذیرد. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۸۲)

نتیجه گیری

بنابراین می توان گفت از دو بحث اضطرار و دفاع مشروع به رغم اینکه در دو بعد، فشار وجود دارد، فرد مضطر و شخصی که در دفاع قرار می گیرد قدرت انتخاب دارند چونکه هر دو مخیرند میان ارتکاب و فقدان ارتکاب فعل با توجه به نظرات بیشتر حقوقدانان، هر دو مورد از عوامل موجهه جرم هستند و بر همین اساس فرد مضطر و دفاع کننده از مجازات عفو می شود.

- به حکم قاعده «اتلاف» فرد مضطر مسئولیت مدنی داشته و خسارات وارده بر شخص دیگر را باید جبران پذیر باشد چرا که شخص زیان دیده هیچ گونه دخالتی ندارد ولی مدافع در دفاع مشروع به علت ضرری که در این زمینه حاصل شده نه مسئولیت جزایی دارد و نه مسئولیت مدنی.

- اضطرار به علت اینکه از عوامل مختلفی نشأت می گیرد عمل فرد مضطر در برابر عمل مجرمانه نبوده ولی مدافع در دفاع مشروع عملش در برابر عمل مجرمانه مجرم است.



- در اضطرار؛ خطر نشأت گرفته از شرایط طبیعی و یا به طور غیر مستقیم از انسان است ولی مدافع در دفاع مشروع تهدیدی که می شود به طور مستقیم از سمت انسان با حیوان است.

منابع و مأخذ:

۱. اسپهبدی، ع. (۱۳۴۹ش) بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام (ترجمه کتاب اقتصادنا شهید صدر) چاپ اول. تهران، انتشارات برهان.
۲. الزبیر، الزین یعقوب. (۱۴۱۱ق) موقف الشریعه الاسلامیه من تنظیم النسل. چاپ اول: بیروت، دارالجلیل.
۳. الزرقا، مصطفی. (۱۴۲۵ق) فتاوی مصطفی الزرقا. چاپ سوم، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۵ ق. ۲۰۰۴.
۴. الغماری المغربی، عبدالعزیز بن محمد بن صدیق. (۱۴۱۳ق) تنظیم النسل فی الشریعه الاسلامیه. چاپ سوم. دبی، دائره الاوقاف و الشئون الاسلامیه.
۵. الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴) وسائل الشیعه، باب مقدمات نکاح و آدابه و باب احکام الاولاد، ناشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۶. ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۹۲) اسلام و تنظیم خانواده، قم: نشر فرهنگ اسلامی.
۷. بجنوردی، سید محمدبن حسن. (۱۴۰۱) قواعد فقهیه، تهران، عروج.
۸. بروجردی، حسین. (۱۴۲۹ق) جامع احادیث الشیعه، ج اول، نشر فرهنگ سبز، تهران: ج ۲۲.
۹. پارساپور، محمدباقر. (۱۳۹۰) اضطرار در حقوق مسئولیت مدنی. نامه مفید. ش ۴۰.
۱۰. تبریزی، جوادبن علی. (۱۳۷۹) استفتانات جدید، قم.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۶) ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه ابن سینا.
۱۲. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۱ق) الفقه، المرور و آداب السفر، لبنان، مؤسسه المجتبی.
۱۳. حسینی طهرانی، محمدحسین. (۱۴۱۵ق) رساله ی نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران: حکمت.
۱۴. حسینی سیستانی، سیدعلی. (۱۴۲۴ق) منهج الصالحین، چاپ هشتم. قم: مدین.

۱۵. حکمت نیا، محمود.(۱۳۹۰) حقوق زن و خانواده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف.(۱۴۱۴ق) تذکره الفقهاء، قم: آل البيت (عليهم السلام).
۱۷. خلخالی، سید محمد مهدی موسوی.(۱۴۲۲) حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ترجمه جعفر الهادی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. خمینی، سید حسن.(۱۳۸۲) مبانی فقهی تنظیم خانواده، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۹. راوندی، سعید.(۱۴۰۵ق) فقه القرآن، چ دوم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ج ۲
۲۰. رشتی، میرزا حبیب الله.(۱۳۲۲) الغصب، به کوشش شیخ احمد شیرازی.
۲۱. رهبر، حسن.(۱۳۸۵) اسلام و ساماندهی جمعیت، بوستان کتاب، چاپ اول.
۲۲. زحیلی، ذهب.(۱۴۰۹ق) الفقه الاسلامی و ادلته. چاپ سوم، دمشق. دارالفکر.
۲۳. شاهرودی، سید محمود هاشمی.(۱۴۱۶) قم: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع).
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه.(۱۴۰۳) معانی الأخبار، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طلعتی، محمدهادی.(۱۳۸۳) رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، قم بوستان کتاب.
۲۶. عاملی جبعی، زین الدین ابن علی (شهید ثانی).(۱۳۸۰) الرسائی، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، الباب استحباب الاستیلا و تکثیر الاولاد، ناشر بوستان کتاب قم، ترجمه رضا مختاری.
۲۷. علیدوست، ابوالقاسم.(۱۳۸۸). فقه و مصلحت، قم، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۸. کرکی، علی بن حسین.(۱۴۱۱ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب.(۱۴۰۷) الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.



۳۰. کلانتری، صمد. (۱۳۷۸) جمعیت و تنظیم خانواده، اصفهان: فروغ ولایت.
۳۱. کنعان، احمد محمد. (۱۴۲۰ق) الموسوعة الطبيعية الفقهية. چاپ اول، بیروت: دارالنفائس.
۳۲. گرجی، ابوالقاسم. (۱۴۲۱ق) تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت.
۳۳. محقق داماد یزدی، سید مصطفی. (۱۴۰۶ق) قواعد فقه، تهران، نشر علوم اسلامی.
۳۴. محمصانی، صبحی رجب. (۱۹۸۰م) فلسفه التشريع فی الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۵. مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱) مائة قاعدة فقهية، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲) انوار الفقاهة، کتاب النکاح، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
۳۷. ملکی اصفهانی، مجتبی. (۱۳۷۹) فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه.
۳۸. نائینی، محمدحسین. (۱۴۱۰ق) اجود التقریرات، تقریر ابوالقاسم خویی، قم.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام (۱۴۰۱) موسسه قانون یار، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی-دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش و ...

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

**پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام**

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش **دکتر شهلا رضایی**
دبیر علمی و مسئول همایش **دکتر بهنام اسدی**
مکان و زمان برگزاری همایش **کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱**

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران **OLOMENSANI@YAHOO.COM**
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information
Database
  DRJI
Directory of Research
Journals
Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF
PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science